

## هم‌زمان کجائید؟

ترمی که هیاتهای حاکمه ایران ( اسلامی و غیره اسلامی) طی قرن اخیر در فرهنگ سیاسی ایران شایع کرده و با تکرار مکرر آنها به ذهنیت ناخودآگاه مردم و حتی بخشی از پیشروان و روشنفکران جامعه ایران نیز بدل کرده اند، اصطلاح " جدایی طلبان کرد " است. خصوصاً آنگاه که مردم کردستان برای احقاق حقوق ملی و دموکراتیک خود در مقابل سرکوبگرهای آنان مقاومت کرده باشند. سرکوبگران جنبش کردستان با بیان این جمله از یک طرف حقانیت کاذبی برای سرکوبگرهای خود کسب میکنند و از طرف دیگر جنبش کردستان را از محتوی دموکراتیک و آزادیخواهی آن تهی مینمایند.

این در حالی است که به شهادت تاریخ، جنبش کردستان، صرفنظر از ویژگیهای تاریخی خود همواره یکی از سنگرهای محکم و پایدار جنبش دموکراسی خواهی در ایران بوده است. جمهوری اسلامی در طول حیات ننگین خود هرگاه به جنبش کارگران، زنان، دانشجویان، زندانیان سیاسی، جنبش برای آزادی بیان و اندیشه و دریک کلام هر جنبش آزادیخواه و مدنی یورش برده باشد، همزمان به جنبش کردستان نیز تعرض کرده است.

بیاد داریم که در انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران، مردم کردستان با چه شور انقلابی و روحیه برادری در سرنگونی رژیم شاه در ایران شرکت کرد. در سالهای اولیه استقرار رژیم جمهوری اسلامی هم بدون توهومات شایع آنزمان همچنان پیگیر و استوار بر خواسته های ملی و دموکراتیک خود پای فشرد. بخش فعال و انقلابی ایران هنوز هم خاطره حماسه مقاومت و مبارزه پیشمرگ کرد، کوچ مریوان، مقاومت ۲۴ روزه مردم سنندج و باقی شهرهای کردستان و ..... را هنوز در سینه دارد. این مبارزه و مقاومت البته در مقابل رژیم سفاکی بود که موج موج انقلابیون را به جوخه اعدام میسپرد و بی محابا شهرهای کردستان را بمباران و توپ باران میکرد، حاکمان شرع و گله های حزب اله را برای جهاد به کردستان فرستاد و بنابراین، مردم کردستان برای دفاع از آزادی و دفاع از کرامت انسانی بهای سنگینی پرداخت. کتمان نباید کرد که آنزمان کردستان تنها سنگر و پناهگاه و نقطه امید همه سازمانها، احزاب و آزادیخواهان ایران بود.

جمهوری اسلامی در طول حیات ننگین خود با صرف هزینههای گزاف نظامی و سازمان دادن انواع ترفندهای سیاسی و مذهبی در کنار استقرار یک شبکه اطلاعاتی و جاسوسی و زندان و خلاصه هر آنچه در توان مادی و معنوی داشت کوشیده است تا مردم کردستان را با حکومت اسلامی همراه سازد، اما این جنبش هیچگاه سلطه فنانیسیمز مذهبی را نپذیرفته و اگر در درون خود هم با آن همراهی کرده است بقول معروف شیخ سرخی است ( منظور جناب سید عزالدین حسینی است ) که همه چپ و آزادیخواهان ایران به سرش قسم میخورند.

وقایع اخیر شهر مهاباد و دیگر شهرهای کردستان ادامه و استمرار همان پایداری و مبارزه در راه آزادی و دموکراسی است. در چند روز اخیر شهرهای مهاباد، سردشت، پیرانشهر و اشنویه شاهد مقاومت و مبارزه تحسین برانگیز دیگری بوده است که یک طرف آنها مردمی تشکیل میدهد که با تعطیل کردن کامل شهر، تظاهرات و راهپیمای و مبارزه بدون وقفه و دادن کشته و زخمی های بسیار یکبار دیگر جسارتها و شور انقلابی سالهای ۵۶-۵۷ را در خاطره ها زنده میکند . طرف دیگر آن جمهوری جنایتکار اسلامی است که با قدرت نمایی نظامی و گردآوری نیرو از اقصا نقاط ایران و هم چنین با شکنجه و دریدن بدن زحمیها و تحویل آنها به خانوادهايشان بمنظور ایجاد رعب و وحشت به یک جنک تمام عیار نظامی و روانی علیه مردم کردستان دست زده است. اخبار جنایات رژیم در چند روزه اخیر در کردستان به رسانه های گروهی جهان راه یافته و این تقابل و رویاروی نابرابر همچنان کمابیش ادامه دارد.

اما در این میان جنبش کردستان انتظار داشت که همسنگران دیروزش، احزاب و سازمانها و شخصیتهای آزادیخواه ایرانی، در این همآورد وی را تنها نگذارند و به یاریش بشتابند. انتظار داشتند که دوشادوش آنان در میتینگها و راهپیمائی های مردم کرد در شهرهای اروپا و امریکا شرکت کنند که متأسفانه جز عده ای معدود، بقیه تا کنون نظاره گر بوده اند. اگر حقیقت دارد که جنبش انقلابی کردستان یکی از سنگرهای محکم فردای تحولات دموکراتیک در ایران است، این بدان معنی است که این جنبش به سنگ محکی برای آزادی و دموکراسی خواهی نیز بدل شده است. اگر "جدای طلبی کردها" توجیه نظری حکومت برای منزوی کردن و سرکوب این جنبش است، ما بعنوان چپ و دموکرات حق نداریم با سکوت خود، ناخواسته باین انزوا کمک کنیم. این جنبش از آن همه آزادیخواهان ایران است و شایسته پشتیبانی جدی و همه جانبه است. ندای مردم کردستان برعکس فریادهای ریاکارانه هیاتهای حاکمه در ایران دال بر "جدای طلبی کرد"، شکایت از منزوی ماندن است. فریادی برای سرکوب آزادی نیست بلکه فراخوانی است برای همکوشی و هم‌زمانی در راه آزادی. فراخوانی است برای مبارزه برای دموکراسی و آزادی برای همه مردم ایران و از جمله کردستان.